



[کیفیت چاپ چندان مطلوب نیست و تصاویر
به زحمت دیده می شوند]

۲۷۹



آیت الله کاشانی

و

نهضت ملی

به رهبری دکتر محمد مصدق



حضرت آیت الله عظیمی پوشوای مسلمان جهان !!

... در کنار رستمیان جعفری معروف به شعبان "بی مخ" و تنی چند از هم پالکی ها بی مش

آیت الله کاشانی به سر لشکر را هدی سر دشته ی کودتا گران ۲۸ مرداد چنین می گوید: شما میهمانان مجلس می باشید و علاوه بر مورد احترام همه ی آقایان بوده و هستید و از مزاحمت هایی که تا کنون برای شما قرا هم شده ، متاسفم چون من خدمات (۱) شما را به نهضت ملی ایران هنوز قرا موش نکرده ام و امیدوارم به خدمات بیشتری بتوانید تا تل شویید. اینجا خانه ملت است و شما می توانید هر وقت که بخواهید بیا شید. (۱)

گردآوری و تکثیر از:

انجمن دانشجویان مسلمان (ایتالیا)

اردیبهشت ۱۳۶۰

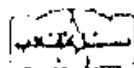


آیت الله کاشانی و نهضت ملی به رهبری دکتر محمد مصدق

آنهایی که به عظمت مبارزه شریکند و در شرف پیروزی هستند و با ستاره که معالی
ما فی بگذا رند تا از این ورطه هولناک بگذریم و کار حریف حمله گسترده
کهنه کار را به پایان برسانیم... محاذی ما حکومتی که در تمام جبهه ها
با اجنبی سرگرم زد و خورد است اگر دور از انصاف نباشد تا بسته وطن -
پرستان و علاقمندان به استقلال و حاکمیت مملکت نیست (دکتر محمد مصدق)

بنقل از:





سعی در برقرار مویسی سپردن نامش دارند
همواره در قلب نسل انقلابی این میهن
جای خواهد داشت ...
بهر حال، برای مطالعه ی جریان
تاریخی که گفته شد، از آنجائی که عمدتاً
جریان ارتجاعی مورد بحث، بعد از قیام
۱۳۰۱ شکل پیدا کرد و در واقع، قیام مذکور،
نقطه عطفی در نهضت ملی به حساب می آید،
از اینرو، این مقاله نیز بیشتر در اطراف
وقایع بعد از قیام میام تیر و تنش میسر
انقلابی ارتجاع در آنجا تنظیم شده است.

قیام سی تیر

بطور کلی، حماسه ی قیام سی تیر، نمایش
شکوهمندی بود از نیروی عظیم و متشکل خلق
که برای پیشبرد آزادی و نهضت ملی
ایران و سرنگ کردن استعمار انگلیس و دربار
شاه، بیباکانه برخاسته بودند. آخراً میریایستهای
انگلیسی و آمریکائی، بخوبی دربار فتنه
بودند که مصدق، اهل سازش و کوتاهی مسدود
از مشافعیان نیست و دیگر هیچ راهی برای
پیشبرد منافع استعماری، جز از میان
برداشتن او باقی نمانده است.
بطور خلاصه، سر وقایع و جریانهای که
ایرانیایستهای را به این نتیجه رسانیدند
این قرار است: پس از آغاز زمامداری دکتر
مصدق، از آنجا که دولت برای اجرای کامل
قانون مالی شدن نفت و خلع ید کاملاً از
استعمار انگلیس و حق حاکمیت ملی داده ی
منافع نفتی غشای می کرد، انگلیس از
ایران به دیوان لاهه شکایت میبرد که
دولت ایران دیوان لاهه را صالح نمی شناسد.
پس از آن انگلستان اقدام به جلوگیری
از صدور نفت ایران و اعزام رزمناوهای خود
به مرزهای دریائی ایران می کند و سپس
موازات آن از یکسو، آمریکا از کالاهای
دیپلماتیک ایران را تحت فشار می گذارد و
از دادن وام به دولت خودداری می کند. و از
سوی دیگر، ایادی انگلیس در مجلس فعال
می شوند و مزمنه ی مخالفت آغاز می کنند و
تا جائی پیش می روند که برای اغتلال در کار
مجلس، از حضور در آن خودداری می کنند.
پس از آن، انگلستان، خرید نفت ایران
و معاملات سایر با ایران را در همان تحریم
می کند و پس از اخراج کارشناسان خود از
ایران، به شورای امنیت، شکایت می کند.
اما هیچکدام از این اقدامات، در اراده ی
مردم قهرمان ایران به رهبری دکتر مصدق
خللی ایجاد نمی کند و سرانجام، پیس از

بعنا سبت نزدیک شدن ۱۳۴۱ فتنه
با لروز درگذشت رهبر فقید نهضت ملی
دکتر محمد مصدق، لازم دیدیم قدری وقایع
آن دوران را بررسی کنیم.
لذا اثر تحقیقی زیر را که اتحادیه ی
انجمن های دانشجویان مسلمان دانشگاهها
و مدارس عالی تهیه کرده است برای روشن
شدن چهره ی صراحتی نهائی آن دوران، در
نسل انقلابی جند شما ره درج می نمائیم.

مقدمه:

آنچه که در این مقاله می آید،
نمایشی از وقایع مربوط به دوران زمام
داری دولت دکتر مصدق و جریانهای مربوط
به سقوط این دولت است که در آن جگونگی
پیدا شدن و نقش و ایستگاههای یک جریان
ارتجاعی، مورد بحث قرار می گیرد. که در
کارشکی تضعیف دولت مصدق که سرانجام
سقوط این دولت منجر شد، نقش بسزائی
داشته است.
جریان مذکور که رهبری آنرا عمدتاً
آیت الله کاشانی معبد داشته اگر چه تا
کنون ماهیتاً "سرای مردم شناسانه" شده
است و کمتر گفتات تاریخی مربوط به آن
دوران پیدا می شود که سبکی از این جریان
با دگرده باشد، معبداً از آنجا که جریانهای
انحصار طلب، حاکم اکثریتی می گشتند تا رنج
را نیز به میل خود تغییر دهند، و همسای
مرتجعین تاریخ را که خود وارث طبعی
آنان به حساب می آیند، تطهیر کنند و بینه
نوحه خلافکاران و اعمال ضد مردمی شان
بپردازند، جریان مزبور را نیز سعی می -
کنند و آینه طوره داده، آنرا آینه
انقلابی، جا می زنند. لازم دیدیم که در مقال
هر چند مختصر، با استفاده از کتا بهی
نشریات مربوط به آن زمان، تا جائی که
ممکن است به معرفی این جریان تاریخی
بپردازیم.
همانجا لازم است که ضمن درود به شهیدان
کلگون کفن راه آزادی، شهیدان نهضت
ملی ایران، خاطره ی بناک رهبر فقید
منازات ضد استعماری مردم ایران، دکتر
محمد مصدق را گرامی بداریم.
سی تردید، خاطره ی پیشوای آزادی
علیرغم همه ی تلاشهای جریانهای حاکم که



قوام، این پیر غلام استعمار، که با رسواشی و فساد از ایران رفته بود، با اشیاء دربار، به ایران بازگشت و زمینهای نخست وزیری را با توافق مشترک آمریکا و انگلیس در خارج از کشور توقیف داده شد. در این باره روزنامه فرانسوی پاریس پیوست روز قبل از وقایع سی تبر، نوشت: "انگلیسیها و آمریکا آنها، بیشتر از همه، به قوام السلطنه معتقدند ازیرا بعقیده ای دیپلماتهای انگلیسی، پس از سقوط مصدق فقط یک مرد قوی مانده قوام السلطنه می باشد. نتایج احکامات مردم را فروشا ندوبا دول غرب سازش کند." (۲)

همچنین در باره ی بازیگران پشت پرده ای این وقایع، نشریه ی خوانندیه ها می نویسد: "... و الاحضرات اشرف چند روز قبل از حوادث خونین سی تبر وارد تهران شدوبا قوام السلطنه تماس گرفت و با نمایندگان مجلس برای زمینه سازی و تحمیل حکومت انگلیسی منش عین الدوله وارد گفتگو گردید، بهنگا پوپداخت و بدون تردید، یکی از مسئولین روی کار آوردن قوام و حوادث سی تبر می باشد." (۲)

اما از آنسو، مردم تهران ایران نمی توانستند چنین توطئه ها را که سرعلیه آزادی، در ظرف تکوین بود، تحمل کنند و لذا برای یاری رساندن به پهلوی آزادی مصدق کبیر، بکدل و بگزبان سرارتجاع و امپریالیسم شوریدند. مردم بمحض اطلاع از استعفای دکتر مصدق، از همان روزهای نخست نه اعتراض و اعتصاب پرداختند. سمت اعظم را رویشتر مغاره ها تعطیل شد، روز ۲۹ تبر، کارگران اسرارچسای، سا زمان برنام، جیت سا زیتهران، اسلوا، کارخان، سیمان، راه آهن و... با تشکیلاتی حلسائی به استکا خود، از روز ۲۹ تبر، بعد از ۴۸ ساعت اعلام اعتصاب کردند، اگرچه قیام مردم ایران نه تنها تهران، که تمام شهرهای کوچک و بزرگ را در بر می گرفت، لیکن صحنه ای اصلی نزد تهران نبود. روزی تبر، در سراسر شهر، اتوبوسهای شهری، کارگاهها و کارخانه ها، تعطیل بود و برعم همه ی تلاشهای دولت، بعلمت غیبت اکثر کارمندان، از ساعت ۹ صبح به بعد اذ راهای دولتی هم تعطیل شد. ... احمد قوام السلطنه که وعده کشتن مردم را داده بود، قسوسای انتظامی را به خیابانها ریخت و ارتش را مزدور نیز به قتل عام مردم پرداخت. مسای مردم، رشادتها و دلاوریهای فراوانی از خود نمایاندند. آنها با دست خالی به تانکها

شکست مذاکرات دولت با هیئت های اعزامی انگلیس، در سیاستهای آمریکا، نبرست سه ایران چرخشی بوجود می آید. چرخش میل همگامی که در باره ی وحدت دیپلماتیسی ایران، انگلیس و آمریکا با ترومن گفتگومی کرد، ناگهان موضوع فراهم آوردن زمینه ی سقوط دکتر مصدق را پیش کشید و گفت: "یکی از طرق حل مسئله نفت ایران، فراهم آوردن زمینه سقوط دولت دکتر مصدق می باشد." (۱) همچنین بدن، وزیر خارجیه ای انگلیس در این زمینه می گوید: "با این شکست (در مذاکرات) و امرا مصدق در پیش بردن مقصود خود، آمریکا در روش خود تغییر می یابد. انگلیس خواهش می کند، انگلیس، نزدیک خواهد شد، یعنی قبول خواهد کرد که تنها تغییر دولت، اجازه می دهد که مسئله نفت ایران حل شود." (۲)

در این زمان، بعلمت استقلال رای مصدق و عدم اطاعت از او، مردم در دو قدرت در کشور حکومت می کرد: اول، دولت دکتر مصدق و دوم، شاه که ارتش، شهرهای و کلیه عناصر ارتجاعی استعمار انگلیس در مجلس و دستگاههای دولتی از او حمایت می کردند. تصادم میان دولت و دربار، عاقبت نتوانست چینی های امپریالیسم انگلیس به استعفای مصدق در روز ۲۶ تبر سال ۱۳۲۱ منجر شد. کتاب گذشته، چراغ راه آینده در این زمینه می نویسد: "دکتر مصدق می گفت که من نخست وزیرم و طبق قانون اساسی وزراء مسئولیت مشترکی در برابر مجلس دارند. پس باید وزیر جنگ را نیز خسب و تعیین کنم و در اعمال او مستقیما نظارت داشته باشم، اما نا آن تاریخ، وزیر جنگ را محمدرضا شاه معین می کرد و وزارت جنگ فقط مجری فرامائهای او بود، بطوریکه نه فقط دولت از مغایرت با دستورهای ارتش مسبوق نمی شد بلکه در اعمال فرماندهان لشکرها و رئیس ستاد ارتش و دوایر ارتش، کوچکترین نظارتی نداشت و چون دکتر مصدق نمی خواست در چنان موقع حساس و بحرانی، دلا هرا "مسئولیت وزارت جنگ را عهده دار شود و لیسسی حق نظارت و دخالتی در کارهای آن وزارتخانه و اعمال فرماندهان لشکرها نداشته باشد، مجبور به استعفا گردید. بیست و ششم تبر ماه، بهنا به امرا محمدرضا شاه مجلس شورای ملی بدون حضور نمایندگان طرفدار دکتر مصدق، به سه زمانه ای (نخست وزیر) احمد قوام (قوام السلطنه) رای تصایل داد و روز بعد، شاه فرمان نخست وزیری بهنا امرا داد که سرد،



عمله ور شدند و ما شعار "زنده باد مصدق" و "مرگ سر حکومت سیکس فوآم" را تکرار خود را از مطهر ارتجاع و استعمار آن روزگار نشان می دادند. اما دشمنان نقابدار ملت نیز بیگانه نبودند. کتاب "گذشته، جبراً و راه آینده" در این باره می گوید که: "ایکس دشمنان با استغاده از اختلاف نظر هسبا و اشیاهات، تخم تفرقه می پراکنده شد. از جمله روزنامه ها هدا رگان دکنز بقا نشی در شماره ی سی تهر خود، گاهی ذیل را داشت: فوآم به جرایم خود دستور داد دستویسندگه توده ابها، امروز جریبان را در دست دارند و توده ابها هم ما مؤرند که در میان شمسها، مفا صدیو خود را اجرا کنند، تا فوآم نتواند بقینه بلسد خود را اجرا کند و فقط از رهبران ملی، فقط از شما رهای ملی پیروی کنند." هوشیار باشید.

نتیج قیام سی تیر

نتایج قیام سی تیر، در یک کلام، کامت یافتن دولت ملی دکتر مصدق و کوتاه شدن دست دربار از داخلها بی بود که تا آن سن تاریخ حق مسلم خود می دانستند. فوآم - السلطنه، مصر روزی ام تیر استعفا کسرد و دکتر مصدق مجدداً به نخست وزیری رسید، حمزه خواران استعمار به لانه های خسبود خزند و معمر شاه که سرکردگی آنها را بعهده داشت، مفتضحانه عقب نشینی کرد، تحت تأثیر این قیام ملکه ما درواشسرف بهلوی، بعالت تحریکات و کارشکنی ها بی در راه بشرفقت بهیت ملی می نمودند و بهیوان نوطه گرانی که در حوادث سی تیر دعالت مستقیم داشتند، از ایران تبعید شدند، دفاتر مخصوص شاهپورها و شاهدخت ها بسته شد و حق مکاتبه مستقیم با ادارات از بهاسلمگر دید و با هما نظور که مطبوعات می نوشتند، دربارهای کوچک زنانه و مردانه سرچیده شد، روز سی تیر، نقطه ی مطلق در میان رزات مردم قهرمان ایران بود و از آن پس میان مردم بطور مشخص، جهت گیری قدری داشت، به بخوبی دربار فتنه بود که دربار مرکز همه توطئه های استعماری است و با زهم از این تاریخ به بعد بود که بهمشوای بهیت ملی ایران با تکیه بر سر بشوای مردم پیش، روز بروز در جهت تجدید قدرت دربار را می برداشت و کارشکنی های آن بطور جدی به مقابله می پرداخت، همزم راسخ ملت ایران به رهبری دکتر مصدق،

حادثه ۱۴ تیر

"روز ۱۴ تیر ۱۳۳۰، نیروهای انتظامی به یک دموستراسیون که بدون اجازه ی شهرانی تشکیل شده بود، حمله بردند و پس از کشتن و زخمی کردن و توقیف عده ای، آنها را متفرق ساختند، بلافاصله پس از آن عده ای از جا فوگشان و رجا له های وابسته به حزب زحمتکشان دکنز بقا بی، و پس از - ایران نیست، با دردست داشتن جوب دستشو میله آهنی و با دادن شعارهای زنده باد دکتر مصدق، زنده باد حبه ملی، مرگ سر حزب توده، به خیابان ریختند و به تخریب و آتش زدن موسسات تجاری و روزنامه های مخالف دولت و حتی دکانها و دکه ها -



سرما به داران و مالکین وابسته به حبه‌ی ملی استخدا شده بودند، خراب شد و آنها را در هنگام اخذ رأی، عوض کردند... در بعضی حوزه‌ها، عناصر معترض برای اشخاص را بزرگرفته، نگاه می‌کردند و اگر عسکری گانندیدها یا حبه ملی بوده، آنها را کتک زده و حتی شوین‌های شرم‌آوری نسبت به ایشان معمول می‌داشتند (حجاری ۳۰/۱۱/۶) ستاد ارتش نیز در آحرای^۱ و امردر بسیار سوسپله‌ی تلگرافها نیز که مضمون آنها به سبانه حفظ امرا رنظامی از نعت و سرهم پسبان نکیداشته می‌شد، گانندیدها مفسسای دربار و وابستگان به سیاست انگلستان را از صدوق انتخاباتی شهرستانها درمی‌آورد (۸) در این میان، اعمال عبودها و شگردهای ارتجاعی از قبیل سوءاستفاده از نام اشخاص هم‌گمان تأثیرات لارم^۲ در جهت یو کالیت رساندن امرا و مورد نظر بجا می‌گذاشت. از جمله نقل از روزنامه کیهان (۲/ بهمن/ ۱۳۳۰) عده‌ای حساب به آیت الله کاشانی نامه‌ای نوشته بودند با این مضمون که: "جون آقای نصرت الله سیف مردشریفی است، حضرت آیت الله اجازة بفرما بندا ورا یو کالیت دوره هفدهم انتخاب کنیم"، در ذیل این تقاضا آمده، پسر ارشد آیت الله کاشانی، یعنی سید محمد کاشانی، در جواب می‌گوید: آقای نصرت الله سیف مردشریفی است و انتخابات هم‌آرا داشت، آقای سیف هم همین ورقه را گراور نموده، روز پیشک آخری منتشر نمودند و بدین ترتیب بر آزادی انتخابات صده گذاشتند... با الاخره ادا می‌نشد پسند این نوع مبارزه، موجب شد که دولت دکتر مصدق دستور قطع انتخابات در پاره‌ای از شهرستانها را صادر نمود، بمحض افتتاح مجلس شورای ملی، دکتر مصدق نامه‌ای به مجلس نوشته، با اشاره به سوء جریان بعضی از حوزه‌ها و اعمال خلاف قانون پاره‌ای از انجمنهای نظار از نمایندگان حقیقی خواست که روی انتخابات خط بطلان بکشند و اعتبار نامه‌اشخاصی را که نماینده حقیقی مردم نیستند و برخلاف حق در بین نمایندگان وارد کرده‌اند، رد کنند، برای رسیدگی به پرونده‌های انتخاباتی، کمیسیون تحقیقی تشکیل گردد، جریان گارشان دادگسبه نمایندگان تحمیلی، بیشتر از نمایندگان حقیقی بودند، لذا اکثریت کمیسیون تحقیق، کلیه پرونده‌های انتخاباتی را که سنجسری از آنها وارد مجلس شده بودند در صدد بلیهای

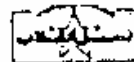
پرداختند. (۵) آنها همچنین جا بجا نه‌ها و سا ختمان روزنامه‌ها و مراکز سیاسی را نیز به آتش کشیدند، و تخریب کردند، اعلامیه شهرمانی کل کشور در این زمینه، هم‌آروز منتشر گردید و پس از ذکر وطیعه قانونی شهرمانی در جلوگیری از اقدامات امسراد ما احرا حوکه می‌دارم و انتظامات و امنیت شهر را محمل سازند، گفته بود: "اها لیبی شرافتمند و مبین پرست تهران هم که بسینه ما هست این عناصر، گاملا پی برده‌اند، با نیروهای انتظامی در تمام مواز کمبمال همکاري و مساعدت را کرده، عناصر اخلالگر را برای اعمال خود را بندا، شهرمانی کل وظیفه خود می‌دانند که از مساعدت و همکاري بیپایان مردم شرافتمند تهران تشکر کنند." (۶)

... این رجاله با زیبای شرم‌آور و تنگین را پاره‌ای از جرایم و وابسته به حبه ملی ستایش کردند و را دیونیسس از آن تمجید نمود. (۷)

و بدینسان، حزب زحمتکشان که داعیه‌ی طرفداری از مصدق و حبه ملی را داشت با شرکت فعال در سرکوبی مردم و پیشبردن اقدامات ضد موزکراتیک دربار، عملاً نقش مکمل سیاستهای استعمار انگلیس را ایفا می‌کرده است. هم‌چنین برای شناختن ماهیت جنس امرا و حزبها، که تا قبل از قیام می‌تبر، بزرگوارها با سده‌ای داشتند به بررسی مختصر انتخابات دوره هفدهم و تقلبات اعمال نفوذها و دیگر شیوه‌های نامردمی این امرا، می‌پردازیم.

انتخابات دوره هفدهم

انتخابات دوره هفدهم، روز ۲۲/۱۰/۳۰ شروع شد، در این دوره با وجود اینکه نسبت به دوره‌های قبل، عده بیشتری از مردم، در انتخابات شرکت کردند، اما رسوائی‌ها و اختراعات زیادی در جریان انتخابات مشاهده شد و بقول روزنامه ایران (۳۰/۱۱/۲): "بول، زور، هو و حجاج، اعمال نفوذ، جاقوکی، سوء استفاده از نام اشخاص و نامندیه‌ای بسیاری از این قبیل، در اغلب، بلکه عموم صندوقهای تهران، هم‌آروز کم و بیش فرما شرواشی می‌کرد، هزارها رای مردم را نگذاشتند به صندوقها برسد و چندین هزار رأی مردم از نزدیک صندوقها بوسیله جاقوکی که از طرف بعضی



وحشانه‌ای برای درهم‌شکستن
دمون‌تراپیون و سوءاستفاده از آن، تدارک
دندید. کتاب گذشته چراغ راه آینده در این
رسمه می‌نویسد: "... در آن روزشوم‌جاده
دردناک و تاسف‌انگیزی روی داد که موجب
تالموتاً شوهرای ایرانی شرافتمندی گردیدند
در آن روز ما مورین شهرهای وارتسش
آنحنا گشتا ربرحمانه‌ای برافانداختند
که هیچ انسانی نمی‌توانست در برابر
وحشیگریها و سمیت نیروهای انتقامی که
بر روی مردم بی‌سلاح تشنه‌شوند و سینه‌های
حوانان ما را با گلوله‌های گرم، ششک
با خنک‌ودن زنان و مردان سگانه را زیر
چرخهای تانک و زره‌پوشهای اهداشی دولت
آمریکا، خرد کردند، ساکت نشیند و قربان
خشم و عرت بلندنگند، در برابر جنس
هولای جنایت و وحشیگری، مردم، شها میت
و شاعت و یابیداری بی‌مثالی از خود
نشان دادند، در آن روز مردم ته‌بران،
قهرمانان ما رزه‌گردند و در حدود ۲۰ نفر
کشته و زخمی از خودبجای گذاشتند، و باز
هم‌ما بطوریکه گفته شد "ملسونی" که خود را
در بخت حربه ملی جا زده بود، در این حادثه

هم‌بک تمام گذاشتند و با توسل به قسدا ره
بدان و جاتوکشان حرفه‌ایشان، اربابان
انگلیسی خود را در سرگوت جنش بیساری
کردند.

حوادث ۱۴ آذر، ۲۳ تیر و ماجراهای مربوط
به انتخابات دوره هفدهم، همانگونه که
پیش از این نیز توضیح داده شد، با این منظور
مورد بررسی قرار گرفت که سوابق دشمنان
مصدق، تا حدودی روشن شود و بدین لحاظ
توضیحات فوق، یک بررسی همه‌جانبه در
اطراف حوادث مذکور حساب می‌آید.

چه در غیر این صورت مثلاً در حوادث ۲۳ تیر و
۱۴ آذر با بیستی لزوماً "چپ‌روی همیسا و"
اشتهاات حزب توده بعنوان یک یاژا متر
مهم‌مورد ارزیابی قرار گیرد، بدون تردید
برپای دمون‌تراپیونهای که منحصر
به حوادث غوغی فوق شد، با توجه به
شرایط سیاسی آن روزگار، اساساً "کنار
ناجانی بود که حاصلی جز تضعیف دولت
ملی دکتر مصدق نداشت، اگرچه اینهمه
هیچکدام نمی‌تواند توجیهی برای اعمال
جنایت آمیز در برابر او داشته‌تداده‌سند
دکتر بقا می‌باشد.

شکاف در جبهه ملی

نمایندگی‌ها دادند.

مجلسی است که چنین مجلسی که
نمایندگان آن بیشتر تمهیلی‌اند و
حقیقی، ناهمه‌سازان می‌توانند از مشروعیت
سرحد را برآورد و نیز تا چه حد می‌توانند در
حرمان نهضت ملی مردم ایران به
مشوالمتهای تاریخی خود می‌بندند
همانگونه که در آینده می‌تواند
شد، این مجلس نه تنها هیچ کاری را از
مبارزات مردم ستعدیده‌ان میهن مسک
نکرد، بلکه خود عملاً به ما سرور ادعایی در
مبارزه‌ش ضد استعماری آنان تبدیل شد
و آنحنا شرایطی بوجود آورد که در برابر
امیرالاسم انگلس تا حائ که می‌توانستند
ملیه دولت ملی دکتر مصدق و در جهت تأمین
منافع خود، با تکیه بر ایدشان در مجلس
به ما سرور برداختند و بیشترین اغسلاز
مزا حمت‌ها را در کار دولت و مجلس بوجود
آوردند تا عاقبت دکتر مصدق تا حارند
رجوع به افکار عمومی، در یک رفتار نسیسم
سر تا سری، حکم انحلال مجلس را صادر کنند،
السته بیشترین مخالفتها و کارشکشی‌هایی
که مجلس در کار دولت دکتر مصدق بعمل
می‌آورد، از جانب همان نمایندگان می‌بود
که توسط بعضی سرما به‌داران و مالکین
و اسبه به حربه ملی "انتخابات شده بودند
و همس‌ها بودند که بعدها با او حکم
جنش ضد استعماری میهنان، با هیت خود
را به روشنی سرور داده و در روی مسردم
قرار گرفتند.

همچنین در این زمینه برای نمایانند
رگه‌های وایسگرایانه‌ی چنین افکار
حرمانهای با زهم می‌توان به حادثه‌ی
چونین است و سوم تیر ما را اشاره کرد، که در
آن حزب زحمتکش، دکتر بقا شی و اعسوان
و انما رش که بعدها در ملک مخالفین دکتر
مصدق در آمدند، نقش ضد انقلابی به‌یاده
داشتند.

حادثه خونین بیست و سوم تیر

ما چرا از این قرار بود که روز بیست و
سوم تیر ۱۳۰۵ بمناست مزرگداشت شهیدای
جوزستان و سر برای اعتراض به سرور
هریمن، نماینده رشم جمهور آمریکا
دمون‌تراپیونی برپا شد، در این روز
بلیس ارتش و بعضی نیروهای وابسته به
حربه ملی که در رأس آنها، دکتر مظفر بقا شی
و حزب زحمتکش، او قرار داشت، توسط



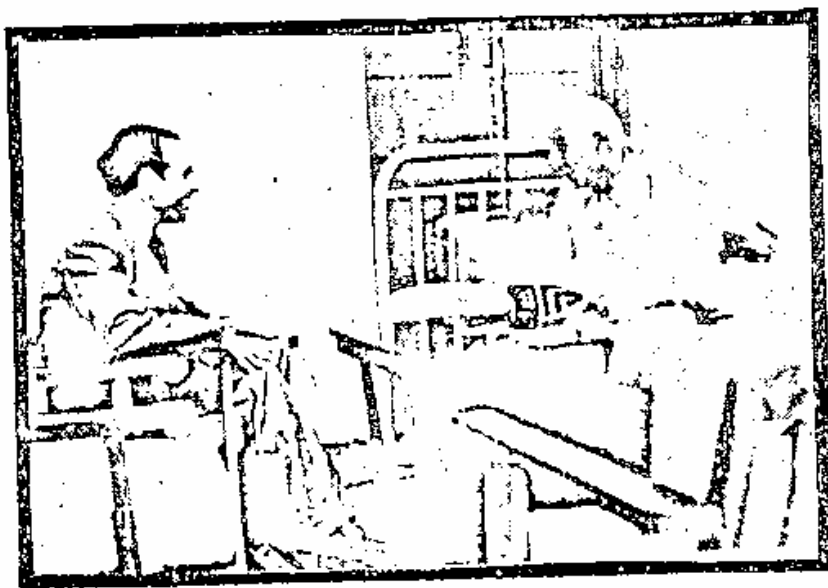
بهشت سرهم و پیران می گردید و راه های
خرابکاری بسته می شد، با استفسار ده از
آخرین فرصت بمیدان آمده، ما هیت مدملی
خود را بروزی دادند. بلافاصله بعد از قیام
سی تیر، حاشری زاده و دکتر بقا شمس،
مخالفت خود را با دکتر مصدق آشکارا کردند.
آیت الله کاشانی نیز به آنها پیوست و
حسین مکی بهوای نخست وزیر افتاد...
وقت آن رسیده بود که پوسته های ظاهری جبهه
ملی، از هم شکافته شود و عناصر متجانس
آن هر یک راه خود در پیش گیرند.

در میان اس راست گرایان، آیت الله
کاشانی صفت خصوصی داشت، چرا که او از
رهبران جبهه ملی و آرا را از دکتر مصدق
شمار می رفت و در حرکت در آوردن مردم
برای ملی کردن نفت، سهم بزرگی داشت.
آیت الله کاشانی همگی در حرکات سیاسی
سیر، سرعتمه تلاشهای دربار و استعمار
انگلیس برای جلب حمایتش را قوام، حاضر
نظارش بشد و در روی قوام، استناد و خلاصه
بایش ارفیام می نمود، بقیه قوت های
در خنثی ار خود سرور داد که قابل چشم پوشی
نیت، با این همه، صحت نداشتن شرایط
و آرا که می بایست روزمان حساستر
و مدغمش معلوم نمود، وابستگی های
طیفانی، خود خواهی ها و جاه طلبی های
آیت الله کاشانی و اردعمل نداشتند و
بتدریج، ماهیت او را سیرا نشان کرد و
هریان تا حاشی پیش رفت که آیت الله
کاشانی که زمانی ما شعار ملی شدن نفت
روی خوش نشان می داد، در مدیت سوا
جانش ملی و ماستعماری مردم ایران،

بهو حال، قیام سی تیر و حوادث مربوط
به آن سبب شد که در جبهه ملی شکاف ایجاد
شود و جناح راست آن پیش از پیش از دکتر
مصدق فاصله بگیرد، جناح مذکور که تا پیش
از این امید داشت که بتواند با سرکوب
مردم و با توسل با انواع توطئه و ترسنگ
حشیش را به مارش با امپریالیستها بکشانند
بعد از آن روز تا ربحی، همزمان با آرا با آن
آمریکایی و انگلیسی اش، تصمیم به رودر -
روشی آشکارا با مردم و سبیل شرف و آزادگی
آنان یعنی دکتر مصدق، گرفت و پس از آن،
نیز با هر ضربه ای که مصدق سربیکر استعمار
فروزمی آورد، دشمنی آنان افزایش
پیدا می کرد.

در این زمینه کتاب گذشته چراغ راه آینده
می نویسند: "مجلس شورای ملی که چهل نفر
از نمایندگانش به نخست وزیر احمد قوام

رای داده بودند و فقط در اشراف افکار
عمومی و قیام ملی می تیر، محصور به عقب
نشینی شده و با انتخاب مجدد دکتر مصدق
به نخست وزیر می موافقت کردند، اینکه با
پیشرفت وحدت مبارزه ای ضد استعماری مردم
ایران، قیام های واقعی خود را ظاهر می -
ساختند، در عین حال وابستگان به
سیاست های استعماری انگلیس و آمریکا
و عناصری از ارتجاعی ترین جناح هیت
حاکمه و فرصت طلبانی که برای کسب وجهه و
ایفای نقش خرابکارانه در داخل نهضت
ملی ایران وارد جبهه ملی شده بودند، در
این موقعیت حساس که دژهای استعماری



لایحه اختیارات و مخالفت های کاشانی

دکتر مصدق پس از آنکه در مورد اختیاراتش کام های دیگری در جهت تحدید قدرت دربار و استعما را انگلیس بر می داشت، دور رسوا می شد، دولت مصدق با دولت انگلیس رابطه ای سیاسی خود را قطع کرد و مردی هم با سرور سواست حکم الحلال مجلس بنا، این کامیون طوطه و حمایت علیه مردم ایران را از مجلس بگرد. لیکن موازات چنین اقداماتی، اصلاح میان دولت و مجلس (که همسایان نمایندگان محال، دکتر مصدق بودند) گسترش می یافت و مخالف جوانی های نمایندگان مجلس به رهبری کاشانی، تنها حاشی بپیش رفت، که نمایندگان مجلس در مجلس ملی که برای تصویب لوایح منع پخش بی بی دولت تشکیل می شد، با عدم حضور خود، آنرا از اکثریت مافوق کسب کرده، رسمیت اجازات مجلس را منتفی می کردند. از جمله حاشی که فرا رسیده مصدق بر روی گزارش دولت دربار، وی فقط روابط سیاسی ایران و انگلیس تکمیل شود، مطلب عدم حضور همسایان نمایندگان رسمیت می افتد و دکتر مصدق با جاری شدن گزارش مدگسور را از طریق رادیو با مردم در میان می گذارد.

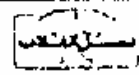
مهندس در هفته دوم دی ماه همان سال دکتر مصدق که دوره اعتبارات سیاسی ماه هاش رو به اتمام بود، سیاسی بعد از اجازات اجازات بعد بکمال از مجلس شورای ملی می نمود. هدف مصدق از یک جانب احضار آیت الله بود که سرانجام در طرح فایزونی سرانجام هاش رو به اتمام اعتبارات تصویب هیئت دولست و

آیت الله کاشانی: اجازتی طرح لایحه اختیارات و نظیر آن قبیل لوایح که مخالف قانون اساسی است در مجلس نمی دهم. مردم خوزستان اعلام می کنند که اگر اختیارات یکماله به دکتر مصدق تفویض نشود، کفن پوشیده به تهران خواهند آمد.

بدون آنکه از تصویب مجلس بگذراند، به مرحله اجرا درآورد، در واقع لایحه ای اختیارات آیت الله را به دولت دکتر مصدق می داد که تا حدی مراحل تصویب لایحه در مجلس که معمولاً زمان بسیار زیادی را اختصاص می داد در تمام کمال رهسار آنرا می دهد. و البته ظنی بود که شرایط معمول سیاسی آن روزگار، فشارهای اجتماعی و جمعی و صفاتی کسب

با مرور تاریخ ما دربار و شاه هاش کنند، خدا ما را به سبب می توان بوطه های مشترک دربار و استعما را انگلیس و سرور بحرکتات مسخر اطراف میان رسوا و استعما آیت الله کاشانی را از فصل هاش، شخصیات آزادی، مراشرای و... در سرسبع هاش آیت الله از عهده ملی و کشنده شدن به موضع دشمنی با مصدق، با دیده گرفت. در همین زمینه و هرهای پندر طالقانی (۹) که خود را در میان سرسبع آیت الله بوده است، تصویر روشن شری را از این قصا، برسم می کند: بعد از از کجا ضربه شروعند؟ پیش از ضربه خا رجی، ضربه از درون خود جوردم... عوا مصداق استعما را و استعما دادا حلی و جاسوسان اطراف این قدرتها شروع به تعصص کردند و بقطه ضعف ها را با فمید... مدد درام مرحوم آیت الله کاشانی، بسیار از راه نقصات که این بهت از آن توسست و جاسوسی را که ما از نزدیک می شناخیم دوران پیرمرد را گرفتند و از آن مصدق جدا کردند، با دم هست روزی که درین مردم گفتگو بود که مرحوم آیت الله کاشانی را زاهدی حمایت می کرد و توطئه ای در کار است، به شنای بی منزل استان و اقسام دریل جوسی رفتم، نشنا بود. در نا فای سه انتظارش نشستم. وقتی که آمد مطبورت خریزه ای در دست داشت. بعنوان تعارف جلو من گرفت تا خریزه را بدم، گفتیم: حضرت آیت الله در اندزیر با استیو است خریزه می گذارد، مواظب باش! گفت: نه اینطور نیست، حواسم جمع است. گفتیم: شما را مرد باک و مبارزی می دانیم. مبارزات شما در عراق علیه انگلیس، فراموش نشدی است شما این موا با و سوان را دارید، درست منوجه و هوشتا ربانید که تفرقه ایجاد نشود. گفت: که خا طرنا جمع با اندا هما بگونه شما طیس که مظهر شما طیس درونی هستند، حاسوان و کارگشته هسا، دورا مرا دو گروه ها را کردند که ما با تو این چنین هستی، بهت مال توسست، بهت بزرگ از آن توسست، این بحار را جام می کنند و آن دیگری را هم همینطور، و اینها را در مقابل هم دیگر قرار می دهند...

در اینجا بهتر است برای شما حاشی بهمنبری از آیت الله کاشانی و جریسان ارتعاشی و استعما دربار که از بی سر به بعد، به رهبری آیت الله کاشانی دولست ملی مصدق به مخالف سرچا به بود و هم - چنین برای بی بردن به ما هیت استی محالفت جوانی ها به بررسی حوادث مهمی سپردا رسم که تا قبل از کودتای ۲۸ سپرداد و سقوط دکتر مصدق، در ایران روی داده



بطریقات خودشان را بطور مشروح در آری
حرکات هاری با تنه رات آیت الله سیه
ربا نه اند، گفته اند من با دادن اختیارات
مجلس و آقای دکتر مصدق در گره تن
احضارات امر را داشته اند، مثلا کسی را
که تا کنون بنا به جانی از دگر آن خود داری
می کردم با اطلاع ملت ایران خواهم رسانید،
در این هنگام آقای بهادری یکی از
امضا کنندگان طرح سه فوریتی که در جلسه
خصوصی شدت با اعطای اختیارات مخالفت
کرده بودند، به انان آیت الله وارد شدند
و بطریقات خود را بیان داشتند، (۱۵)

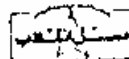
چنین بود که عاصیت آیت الله بهر سر خلاف
وطاقت و اختیارات قانوسی خود، مجلس
نوشته: "تا موقعی که رات است مجلس شورای
ملی را بعهده دارم، اجازه طرح لایحه سیه
اختیارات و بطریقات قبیل لوائح را که
مجلس قانون اساسی است در مجلس می-
دهم و صریحا "قدغن می کنم که طرح آن
خود داری شود... بنا بر وظیفه محوله از
طرف خلق فداکاران ایران به نمایندگی
مجلس و تقویست رات است مجلس سیه
استحباب از طرف نمایندگان، لزوما
با الصراحه اعلام می نمایم که لایحه اختیارات
تقدیمی آقای دکتر مصدق نخست وزیر سیه
مجلس شورای ملی مخالف و مانع اصول
قانون اساسی و صلاح مملکت و دولت است
و با این وصف مجلس شورای ملی نمی تواند
چنین لایحه ای را که مخالفت صریح با
قانون اساسی دارد و موجب تعطیل مشروطیت
و ناقض موااد ۱۱ و ۱۳ و ۲۴ و ۲۵ و ۲۷ از قانون
اساسی اصول ۷ و ۲۷ و ۲۸ منم آن می باشد و
در خفاقت با عدم رعایت قوای مرقوم سیه
مملکت به حالت دیکتا توری بر می گردد...
روشن است چنین عملی فاقد ارزش انوینی
است، علیهذا، بدستور صریح مانع قدغن
می نمایم که از طرح آن در جلسات علمی
مجلس خود داری شود و نمی تواند چنین
لایحه ای را خود سرورا گیرد و در گذشت
سراسر می را که نمایندگان مجلس سیه
سعه اند، دلیل و محوز بکرا آن نیست...
(۱۶)

و سیه در آمد دیگری خطا نه دکتر
مصدق می بود: "... ارشما نقاضا دارم
قطعا" از مطالب غیر قانونی خود داری سر
گرفتن اختیارات، خود داری نمائند شما
در صد ملیون مزار شکاف ایجاد بشود،
و اگر واقعا لایحه اختیارات خود را مطابق
با موازین قانون اساسی می دانستید،
لر و ما "توضیح دهد مطالبی را که سیه در
ادوار مختلف مجلس شورای ملی سیه
قانون و آزادی رعایت حقو تا سیه
(دوره ۱۴۰۵، ۱۶) در طی بطنی های خود نه

امیر با لیسها برای ایران موجود آورده
بودند، دولت را بداشتن چنین اختیاراتی
تدبیرا "سارم مذکبد، لیکن متاسفانه سیه
محدود آنکه مجلس چنین تقاضای را از دولت
در یافت کرد، "کاشانی که از یک سیه سیه
در بار مشغول زد و بند بود و از سوی دیگر با
هندرس (سفیر آمریکا در ایران) سروسری
داشت (۱۵) و در مخالفت با دکتر مصدق
سرازیان می شناخت (۱۱) تدبیرا "سیه
مخالفت با این لایحه برخاست.

التمه آیت الله کاشانی، بهمنشرا لیسها
بعضی زمانی که مخالفت با مصدق تا سیه
این درجه حد نه بود، بطر مخالفتی با
صوبت لایحه اختیارات بدانت و جسمی در
یکی از مصاحبه ها با این را تا شد که سیه
می گوید: "چون آقای دکتر مصدق شخص وطن
خواهی هستند و هیچگونه ناشئه حیاست و
تا درستی در ایشان نیست و از طرف دیگر،
اوضاع کشور احتاج می کند که اشکان در
اصلاح امور، به جوجه مانعی در راه نداشته
باشند، بنا بر این تقویست اختیارات سیه
ایشان بها و خوب است، التمه مجلس سیه
ارافکار مجلس شورا تقویت نموده، لایحه
مرور را صوبت خواهد نمود..." (۱۲) و با
در با سیه یک خبرگاران، در باره لایحه
اختیارات مجلس می گوید: "با حال که سیه
استاده ارفا یون اختیارات بدنته و
امدوار سیه نام مطلوبه، التمه سیه از
احضار لوائح مفیده حاصل شود..." (۱۳) سیه
اسمه طی ماههای بعدی که آیت الله
کاشانی در صد با مصدق به مواضع
ارضا می کشده می شود و سیه تا سیه

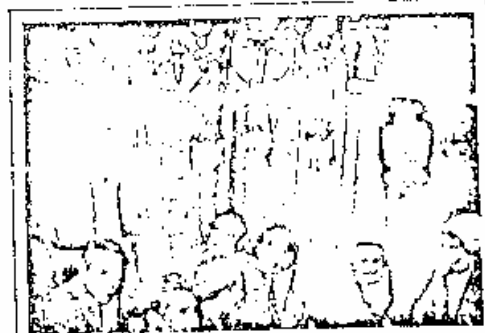
عما صروا سیه ای همچون سیه و... در
سیره... با مصدق، با لایحه سیه دی دولت
سره مخالفت می کند، سیه سیه سیه حوادث
و موضع گیری های مختلف آیت الله کاشانی
چنین مطالبی را که ملا "تا شد می کشد، روز
سیه ۱۸ دی ماه کاشانی اراطها بطر
در باره لایحه اختیارات خود داری می کشد:
"صر کشید که رها در سیه می شود و آیت الله
با حذر و دگر در باره اختیارات می توانم
بطریقات خود را بدهم..." (۱۴) اما سیه
سر لایحه اراطها رعهده آیت الله سیه در سیه
بعد تا سیه روضی مختلف سیه و
سیه معات آبادی، جای خود را به مخالفت
صریح می دهد: "تا عت چهار سیه ز طهر روز
سیه آقا با دکتر سیه، رهبری و
چیده، سیه نمایان مجلس سیه سیه
و رات را رهنمود مدت یک ساعت بطور
خصوصی در باره حزب با سیه و جلسه روز
سیه با حضرت آیت الله کاشانی مذاکره
کرده، بطوریکه خبرگاران با اطلاع حاصل
کرده است آقای دکتر کاشانی سیه سیه



دارد و می خواهد مملکت را در پستیای کمونیست ها فریانی کند. در صورتی که دکتر مصدق اختیارات وسیع را از مردمی ادا می حکومت خود می داند و نتوانست می دهد. ایران کمونیست نشود و تسلیم انگلیسها نگردد. "و حال آنکه آیت الله کاشانی از سر تا پای حتی مصدق را با روسای دولتهای دوره ۱۶ و ۱۷ و مقایسه می کند و مخالفتهای مصدق را با آنان سرر بغویس اختیارات را کمین بر وجود مصدق می گوید. اما واقعیت این بود که اقدامات ماطم صدامیرالیمینی دکتر مصدق را انگلیس را به وحشت انداخته بود. با حاشیه محصور شده بود که با اعتداده از بهود آبادی خود. مجلس را به کابوسی برای مخالفت با مصدق و مانعی برای اجرای طرح های او تبدیل کند. لیکن برغم تلاشهای آبادی استعمار و ارتجاع. سرانجام مجلس با چارشد تبعیت فشار رنده ها. طرح مذکور را تصویب نرسید. بار هم مردم به حمایت از رهبر محبوبشان اقبال می کنند. سبیل بلگرامات و تظاهرات در شهرها و تعطیل عمومی برای حمایت از دولت. هر روز مریخی می گردد. مردم روزستان اعلام می کنند که اگر اختیارات یکساله به دکتر مصدق تفویض نشود. کفن پوشیده به سپهران خواهند آمد و ... و بدینگونه لایحه اختیارات با وجود کارشکنی ها. با اکثریت آرا در مجلس تصویب شد. دکتر مصدق طی پیامی رادیویی در اس رمیده خطاب به ملت ایران چنین گفت: "آنها که به عظمت مبارزه نمی اندیشند. چقدر شایسته و بجا است که محالی با قی گذارید تا از این ورطه هولناک بگذریم و کار خریف حیل و گرو گشته کار را پایان رسانیم. آنوقت ممکن است برای عدالتها و مبارزه های کوچک فرصت پیدا شود. امروز محاذله با حکومتی که در تمام جبهه ها با اجتنی سرگرم زدو خورد است. اگر دوران انصاف نباشد. شایسته وطن پرستان و علاقمندان به استقلال و حاکمیت مملکت نیست." (۱۸)

در همین زمینه. روزنامه "آریکا" چاپ هندوستان چنین نوشت (۱۹): "مصدق اگر در گرفتن اختیارات قانونی از مجلس اصرار نمی کرد. بصوب هریک از قوانین و لوایح اصلاحی مورد نظر او در گرو خلف رضایت دسه ای از نمایندگان مجلس بود و چنانکه با به امروز از قریب یکصد لایحه. قانونی مصوب او کسه در دستور مجلس قرار دارد. حتی یکی هم بصوبیت نرسیده است."

مخالفت با تقاضاهای دولت های وقت است که فقط در قسمتی از شئون مملکتی اختیار می خواستند و شما فشاری و رد می نمودند و بمن مذاکرات شما. عموماً معصوم است و محل انکار ندارد. میبایست چه اهل و منظوری است؟ خود شما گفته اید بفکیر بوا. پایه و اساس مشروطیت است. با خلاط نوای مقتضیه و قضائیه را حراشه. با زکشت حکومت دیکتاتوری است و روری که نمایی شده مجلس بودند. با صدای بلند فریاد می زدید: کسانیکه می خواهند از قدرت غیر قانونی استفاده کنند. با نمایندگانی که کمک در تسلیم اختیارات قانونگذاری به یک فرد با دولتی می نمایند. به حقوق عامه حادست کرده اند. اگر فراموش نموده اند. عین آنها را دستور داده ام که از ضبط مجلس خارج نموده و برای اطلاع خسود جماعتی و عامه ملت ایران منتشر نمایند ...



سیدان محمدری (معروف به شعبان بی من) سردسته جماعت آرا شاه خاشن در ۲۸ مرداد به همراه آیت الله کاشانی و محمد تقی فلسفی (سمت راست) در مجلس با صلاح مراد آری.

ملاحظه می کنید که آیت الله سرخلاف بطره ماه پیش دود که گفته بود: "بغویس اختیارات به ایشان بها و خوب است تا کمین می گوید که مصدق می خواهد با کسان اختیارات. دیکتاتوری بوجود آورد. بیضای آزادی و مسلسل مبارزات ضد استعماری مردم ایران که از طرح این لایحه. هدفی جز مطلع آسمانی امیرالیمین نداشت. به اعمال دیکتاتوری منتهی می شود. محله خواند. با سال ۲۱ شماری ۶۱ به بقل اریتره خارج می اولوس (ترکیه) در اس رمیده می رسد: "معضی از زعمای جبهه ملی. مانع شد کاشانی و مکی هم از روش سابق خسود منحرف شده. به دربار و قدرتهای نظامی متعادل گردیده اند. استقلال همه آنها این است که دکتر مصدق حبال دیکتاتوری



ایستند، جهت خدا حافظی و بدرقه، شرفیاب شد.

در اینجا، شاه تصمیم میگیرد شما را در میدان خنده، با همکاری و اسکان، سه سیاهی استعماری، مصدق را سرگبون دارد، بدین منظور، برای سر خود را بسا معامل بودیک به دربار، در میان میگذارد و برای کودتا علیه مصدق، نوطه را برآوردارک میبندد.

کاشانی نیز، بعضی اطلاع از مسافرت شاه، نامه ای به این معنوی، مطابق شاه نوشت: "ای علیحضرت، ما یون شاهنا هی، مسافرت غیر مترقبه، علیحضرت، ما بسون شاهنا هی، موجب نگفتی و مگرانی فاطمه (!!!) اهالی مملکت و مردم با سخت خنده و هیئت رتبه مجلس شورای ملی، با شما و آتایان شما بدگان، میرما بدگه در وضع اغتشاشی بهیچوجه، مصلحت و مسوولیت نمی دانند که، علیحضرت، ما یونسسی، مسافرت به مسافرت شما بند و ممکن است در تمام کشور، تا شما را مظلوم، حاصل نماید، به آپس لحاظ از بینگاه، ما یوسی، اسدعا میشود که قطعا، در آن مورد، بعد بدینطور، مسؤوده و تصمیم به مسافرت را به موقع، دیگسری در سال آینده، تبدیل فرما بند، رئیس مجلس شورای ملی،" (۲۱).

یونس چنین نامه ای، آپس در شرایطی که اسعما را نگلیس، عزم خود را بر سرای سرگوسی مصدق حزم کرده بود، آپا خبری بحریا یوسی اسعما رو شاه منانه با شنیدن با سیاهی امیرما لیسنی است؟ شاه - طوسی و اغراض شخصی، با مانی حدت بندا میکند که آپا الله کاشانی، سر و شت مبارک، مداسیمایری مردم و از برپا گدانه، در - نوطه، بتل دکتر مصدق شرکت میکند.

مضافا، سربرنامه فوق، کاشانی برای دامن زدن به خونریزی، در آن شرایط، اقدام به یونس نامه، دیگری شرح رستر میکند (۲۲) یعنی، علیحضرت، ما یونس شاهنا هی می رسا ندهما، بطور که ضمن نامه، یوسی هیئت، رتبه مجلس شورای ملی، بطر خود را، دا شرعتم صلاح مسافرت، علیحضرت، سربر رسا شدم، با دیگر بطریقه خود را، تا شد مسما یم، سید سوال فاسم کاشانی.

سهرجانی، در روزهم اسعد، که فرار اسود شاه به مسافرت برود، مصدق سر بر سرای خدا حافظی به دربار رفتند بود. کتاب گذشته چراغ راه آینده در آن باره میبندد: بدو این فاطمه، طبق نقشه قبلی، عده ای را اذل و آساش، که چهل پنجاه نفر از آنها کفیس

نوم اسفند: نوطه علیه مصدق

ما یگوسه که پیش از این گفته شد، مصدق شما "بعد ارتقا میفرماید، اما ماب مونسری علیه خود اسعما را گنرا را نگلیس و سربرای بعد بدینطور، سرما یوسی، دربار، اسعما داد. اما این تصمیم را و اصل اسفند، بعد، نکل جدی برای خود گرفت، چه، در این زمینه، معانوم شده بود که در گنری های اصل سخناری که در او احرمیم، ما ها سر و های نظامی صورت گرفته بود، عمدتا، به تحریک دربار و شاه و دربار، بوده و شرکت اسعما را با رتبه و سرانگرا اهدی بر دربار، اسعما تحریکات مبلغم شده بود. در اینجا، مصدق موجه ندکه، در این صورت، کاسون نوطه، به تحریک علیه دولت، وی در آمده، لذا تصمیم به مبارزه جدی با آن گرفت. در همین رابطه، به شاه سیاهی محدود و اسعما را با او کسیر، روابط سیاسی و مالی و اسعما سی یوس، دولت را میبند، شاه و اسعما میگوید اگر اسفلور است، اسعما است که من سربرای بدی را بران خارج شوم تا این مرکز، تحریک بر علیه دولت، تعطیل نماید. گفته مصدق در اسعما با این دوره، اسعما محدودیت، به ارتقا، به خارج، وی را مخیر میکند از دو امر، میشو که شاه را رتبه سربرای مدسی، معنوی در میان و دندار را با درش و، ار اسرا، خارج شود، در پیما می که مصدق به همین مسامت، شاه می دهد، میگوید:

تصمیم دارم رفایندم را عملی کنم و مردم را از حزب با ت کشور مستحضر، ما یم، به مردم نگویم که و الا حضرت اشرف، وقتی اینجا بود چه کارها می در حق من کرده اند و علیحضرت بلکه ما در، چه مواضعی سرکارهای من براشیده اند، همجنس ما با یاختما ری را هم میگویم." (۳۰)

شاه سر در ملاقات با مصدق، میگوید: توقف من در ایران، موجب خواهد شد که عده ای به دربار رفت و آمد کنند و این رفت و آمد، به سبب شود که در جامعه، سوء تفاهاتی حاصل گردد. بنا بر این صلاح شخص من و مملکت در این است، مسافرتی که از دوماه به جا وز بکند، برای استراحت و معاینه طبی به خارج بکشم." و شاه که کتاب گذشته، چراغ راه آینده است، میگوید: "تصمیم بر این شده که شما بذا گرات، بعدی مجرمانه بهما بدگه جدی مطلع نشود و به منظور اینکه کا ملا" در اینجا رسا بند، شاه و اسعما، مسافرت بکند، بلکه شما مسافرت رشت، ما انومیل ار سهران خارج شده، به مسداد سرود.... دولت نیز مقدمات مسافرت، با ما عده، هزار دلار، معنوی مجارح اولیه فراموش و طبق فرار، دکتر مصدق روزهم



زمانی که لازم بود به پشتوانه دلارهای
آمریکایی، کودتای شوم ۲۸ مرداد را
بیاورید و چه هنگام میکه به پشتیبانی رشا
والمتعه با زهم همان "مردم" تطاهرات توده ها
را تا قبل ارقیا مپهس ماه ۵۷ سهم میریختند
و چه بعد ارقیا م که با زهم مسا مردم والیته در
گمینی بوبی تحت عنوان "حزب الله"
قابل تحدید آزادیهای مردمی و نیز
سرکوبی توده های مردمی هستند که برای
حواسته های انقلابی خود بیا میخیزند...
اما سرغم ادعای گاشانی و دربار رشا
فاطمه واقعی مردم مردای هماشور و طبعی
نظاره های عظیمی نسبت به دربار و توطئه شیم
اسفند، بهر خود را اعلام کردند و بدیهه مسا
مشیت محکمی بدهان درباریان و حیره خوران
انستما رسوا شدند.
بدین ترتیب درمنا سب ترین موقعیتی
که با انجا دسیاستهای مباد ازجا سب
دکتر مصدق میرفت که تا از ایران خارج -
شود و دربار، گاشون توطئه های استعماری،
بمطل شد، متاسفانه گاشانی بواسطه تنگ
بطرسها و صدیت کوری که ما مصدق داشت به
بمع دربار، وارد عمل شده تا حاشی بهمنش
میرود که حتی در توطئه، قتل دکتر مصدق
شرکت میکند.

عمل اجتماعی:

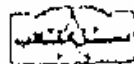
معیار و ملاک همه دعاوی اسلام پناهان

دقیقا "در همینجا است که میتوان همینه
ادعاهای اسلام پناهان را گاشانی و امثال
او را محک زد. آخرا پس کدام اسلام است که
همکاری با دربار و همگامی شدن با شعبان
بی مع را تحویز میکند. این کدام اسلامی
است که شرکت در توطئه کودتای با مردمی
عسکه پیشوائی مردم و نیز آجرای سیاستهای
استعماری را بی اشکال میداند؟ آری، این
عمل مشعل حتما می است که سرانجام معلوم
میکند که اسلام گاشانی ها تا چه اندازه را -
اسلام اصیل و انقلابی فاضله دار (بسمه
مصدق کلام امام علی (ع) "العمل، النهایه")
و این عمل اجتماعی است که معنای
معیار و معیاری مهم همه ادعاهای گاشانی
الهام بیاپی و از او می کشد و جایگاه واقعی
گاشانی ها را معین می کند. در همین رسیده سبک
خبرنگار روزنامه ای اخبار السوم
در مقاله ای که در باره ملکه اعظمای (ملکه
اعظمای، یکی از معروفه های درباری که
اوسر برای حمایت از شاه و ماسعت از
عربها و ساجران، نظاهرات راه انداخته

پوشیده بودند، بدستور آیت الله بهسها بی
مندان با رفروشان، سیدزاد زونوش سزاه
افشا دند. استاد با همکاری فمشتی را
شروه های انتظا می به را در سختید با مردم
مجبور به پیش منازها گمندی و سپس بطرف -
کاج سلطنتی سرازیر شوبد. جافوکشان
و رجاها، بهمراهی عده ای از افسران
سازشسته از حمله، بنا بهختی، سبهدا جعدی،
سولشگر گرون و در سرازیرت معمولی
کاج که در سمت جنوب است، جمع شده بدارن
تا بهر ساسه و اطهار رنگرایی ز مافرب ساه
کردند، با سه محتی اینکه دکتر مصدق ارکام
خارج شود، او را بغفل برسا نند، اما دکتر
مصدق با راهشایی یکی ارکا رکمان دربار
اردن مالی خارج شد و با اوسمیل خود سب
مزل رفت. همینکه سوطه گران مسوخته
شدند دکتر مصدق اردام صرگ فرا ر کرده و بیا
بغول درباریان، مرغ ارفدی بریده
جودرا به منزل بحسب و سرریا نند، سبک
بک حبیب اربشی، در آغوشی منزل را سبند
تا شعبان بی مع، با قبل دکتر مصدق و بعد
مپهس بهر ساسه، جودرا را سجام دهد. اما جسون
دکتر مصدق اربشت با م فرا ر کرده -
توطئه، با با گاشانی مواجه شد.

همانطور که می بینیم، در سرازیر
اعلامه ای مادر کرده اند. آخ سب سب
"اعلیحضرت هما سون ما هساشی بواسطه
کسالت، مصمم داسند مافرب کوشا هی ار
راه عراق، پس از سارت عسکات مقدسه
خارج بفرما سند، این مصممها هانه، موجب
نگرانی و سروز حاساسات مپهس سراسه ار
طرف فاطمه مردم گردیده و با احشام و ساجران
شا سسته تقدیری، جواهان اصرا تا اعلیحضرت
شا هساشی از مافربت گردیدند، جسون جاشیر
خطیرتا هانه، مسوخته معلوف بهر عا سب
اعکار عا مفا سند، با سب سب سب سب سب
ار حاساسات باک مردم، فعلا، ارما فسرت
اصرا حاصل فرمودند." (۲۳)

ملاحظه میشود که آیت الله کاشانی و دربار
با همما هی، هما بطور که در اعلامه ای طاهرا
مبنا و مبنا، مشهور است، "سیرکا" ار سب
نگرانی فاطمه، مردم "ساجا طرمما فربت شاه
در خارج، با سب میرسد، اما هما بطور که معلوم
شد، این "فاطمه مردم" در عمل، جودرا هانه
درباری، افسران سازشسته و اسس -
در بار، جافوکشان و اراذل و اوساشی بطور
شعبان جعفری مسودند، بهر عا رنجا و سب
در باران همان مردمی هستند که بعدها
"فام ۲۸ مرداد" را فرسندند، اما گمش که
بدا سبکه مردمی را این سب، سبنا به سبک
پدیده ساریچی، ساجته ویردا حته استعمسار
همواره در لحظه ماسا اجتماعی، وارد کار
ند. سبشی صد طبعی سبهد گرمه اند، چه



این توطئه که برهبری ستادش هیور علمبرها با شرکت دکتر مظفر بقاشی و سرلشکرزاهدی وعده ای از افسران ارشد بازنشسته به مرحله اجرا درآمد، به نتایج مورد نظر نرسیده، با شکست روبه رو گردید. بنا به اعتراف صریح با زداشت شدگان، قرا و براین بود که بعد از افشا رطوس، دکتر باظمی، تیمسار رها جی (رشید ستاد)، دکتر معطی، دکتر شایگان، مهندس زیرک زاده و شمسار مهنا (معاون وزارت دفاع ملی) را دستگیر نموده، دولت را سا قط نمایند.

سهرجال پس از کشف این توطئه، فرمانداری نظامی درمحد دستگیری سرلشکرزاهدی، این مهره سرسپرده ی امپریالیسم و وابسته پلید دربار، برآمد و با اخطار را دیوشی به سرلشکرزاهدی که عامل اصلی توطئه و سرزدگر توطئه های با مردمی علیه دولت دکتر مصدق بود، از او خواست که خود را معرفی کند، که البته همین اخطار را دیوشی موجب شد که زاهدی سواد خود را از دستگیری نجات دهد.

درجین شرایطی که عوامل توطئه در پیشگاه مردم افشا شده بودند و افکار عمومی علیه آنها برانگیخته شده بود و در شرایطی که می توانست با دستگیری سرلشکرزاهدی یکی از عوامل مهم کودتاها و توطئه های بعد جنسی شود، با زهم آیت الله کاشانی وارد میدان شد و به تظلم سرلشکرزاهدی پرداخت بدین ترتیب که سرلشکرزاهدی با موافقت وی که رئیس مجلس بود و وسیله میراشرافی به مجلس آورده شده به تدا شستن "امید در آنجا محض شد، کاشانی بگری از زاهدی استقبال می کند و به او می گوید: "شما میهمان مجلس می باشید و علاوه بر آن احترام همه آقایان بوده و هستی پس دواز مزاحمت هایی که تاکنون برای شما فراهم شده، متأسفم، چون من خدمات (۱۱) شما را به نهضت ملی ایران هنوز فراموش نکرده ام و امیدوارم به خدمات بیشتر می توانم نسیان شوم، اینجا خائن ملت است و شما می توانید تا هر وقت که بخواهید بمانید." (۲۹)

از سوی دیگر، از طرف وزارت دادگستری دلایل اتهام دکتر بقاشی را شریک در این قتل فجیع در ۲۸ صفحه تراشت شد و سلب مصونیت وی از مجلس درخواست شد، اما مجلس که تحت نفوذ کاشانی و طرفداران دربار قرار داشت، از سلب مصونیت بقاشی خودداری کرد و این کار را انحلال مجلس هفده میسر نشد، بدین ترتیب با حمایت عملی کاشانی از زاهدی و باقی دکتر

مغالطین دولت اطلاع داده، مانور و رزمنه گذشته را در تهران بوجود آورده، در این مانور، آیت الله کاشانی نقش عمده را به عهده داشت و تمام مخالفین دولت حاضر تندی برای مبارزه با دکتر مصدق، از او امر و اطاعت کنند... بطور کلی می توان گفت کلبه مخالفین حکومت مصدق، فعلاً تحت لوای آیت الله کاشانی گرد آمده اند... همچنین روزنامه فرا سوی تریسمور دسایون پس از حوادث نیمه اسفند، نوشته بود: "در میان سران نهضت ملی ایران، کمترین کسی به انداز هی کاشانی به کمونیت ها و سیاست شوروی ابراز تمایل کرده است. کاشانی، از لحاظ سیاسی، نسبت داخلی نزدیک عناصر افراطی و مظهر مبارزه با نفوذ دربار و مقامات نظامی بود و تا به این توان گفت که تیرگی روابط بین شاه و دکتر مصدق تا چند ماه قبل بیشتر نتیجه تلقینات وی بود... با این سوابق، نزدیکی کاشانی به دربار، علیه دکتر مصدق عجیب و حیرت انگیز است و شگفت آورتر آنکه تا چندی قبل خود و مصدق را به ازاد گذاشتن فعالیت های حزب تبوده، تشویق می کرد و اکنون، مصدق را به همکاری با نوده ایها و تهیه زمینه حکومت کمونیستی میهم می سازد... حوادث اخیر ایران بحوسی ماهیت سیاستمداران شرق را نشان می دهد که تا چه اندازه با ایند احساسات و اعراض شخصی خود بوده و با طرکینه نوزی و استقام جویی، حتی عقاید خود را زیر پا می گذارد." (۲۸)

مطبوعات خارجی و توطئه نهم اسفند

شماره اول اردیبهشت سال ۳۲، سر تیپ افشار رطوس رئیس کل شهر بانی کل کشور که طرفدار دکتر مصدق بود و ترن به او امر با مردمی دربار نمی داد، در تهران معقود شد و ش روز بعد، جدا و را که بطرز فجیع سی به قتل رسیده بود، در نزدیک لشکرک، پیدا کردند. در تحقیقات بعمل آمده از جاسب فرمانداری نظامی معلوم شد که عوامل اصلی قتل افشار رطوس، سرلشکرزاهدی، دکتر بقاشی و دکتر عظیمی بوده اند. کتساب گذشته، چراغ راه آینه شده، در این زمینه می نویسد: "این قتل یک عمل جنائی معمولی نبود، بلکه توطئه ای بود علیه دولت دکتر مصدق، توطئه گران می خواستند با دستگیر کردن پنج نفر از افراد مؤثر حکومت، عدم ثبات دولت مصدق را نشان دهند و احتمالاً آنرا سا قط نمایند. اما



را عادل معرفی کند، اینها هم در سطح سوری ها و کاشانی ها را مثال هم می بردند. خواهند شد، تاریخ بهتری قاضی است و خلقها به تماشا نشسته اند، آنگاه که حقیقت را دریا فتنه، دیگر هیچ عذرو بهانه ای را نخواهند پذیرفت.

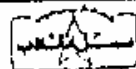
سوابق برخی از این "سیاران" و "دستیاران" نظیر شمس قنات آبادی، میراشرافی و... با طهر من الشمس است و بیازی به توضیح ندارد، نقش ضداعلامی آنها تا قبل از کودتا، از لای موصغریهای آنان و شرکت همایشان در توطئه های علیه مصدق، بخوبی قابل تشخیص است. همچنین نقش فعال آنها در جریان کودتای ۲۸ مرداد و سوابق بعدی آنها مطلوب از حمایت و حمایت به این خلق شده است. در سال ۵۷، در خصوص اعتصاب سرتا سوری روزنامه های کشور، همین ها بودند که به اشاره سیا واک اقدام به انتشار نشریه ای ضد انقلابی بنام "آتش" کردند و با زحمات گرمش خود را نسبت به دشمنان قسم خورده خلق نشان دادند. میراشرافی پس از قیام، در سال ۵۸، علیرغم همه کارشکنی ها و مخالفت های متعدد برخی محافظان حاکم، اعدام شد و آنچه نگه در کیفر خواست دادستانی انقلاب آنهاست آمده بود، سرده مضامین "شرکت مستقیم در کودتای ۲۸ مرداد به چندین مورد قتل و تجاوز و... نیز متهم بوده است.

اردیگباران آیت الله کاشانی، دکتر مدعرباشی کرمانی است که در بحث های گذشته با حدودی به بحث های او و حزب رهنشگان که عملاً به اشکال و چا فساد را و قداره بدان، تبدیل شده بود، اشاره کردیم. مطابق اسنادی هم که ستارگی در جریان بررسی اعتبارات دکتر آیت (کد زشورای مرکزی حزب رهنشگان مصوب داشته است) در مجلس از جا سوخته آمریکا افشا شده است (۳۱):

"آقای بقاشی و برخی از یارانانش از سالهای ۱۳۲۹ و ۱۳۵۰، با اجاسان سفارت آمریکا، در تماس بوده اند. این تماسها تا حدود سالهای ۱۳۵۰، برادار داشته است. بموجب این اسناد، بقاشی مسودی است فوق العاده جاه طلب، طرفدار آمریکا، مصداق کامل وادویه مخدره (کوکا شین) که با ما مورین سفارت تماسهای مخفی داشته است. این تماسها گاهی در اوایل و آخر شب با استخراک مل و مذاکرات در میان شب ها جاسوس آمریکا، صورت می گرفته است و گاهی تماسها در مهمانیهای خصوصی، همراه با صرف مشروبات الکلی بوده است. تماسها به تنهایی با خود بقاشی، بلکه با

بقاشی و نیز وجود عناصر وابسته دیگری از قبیل میراشرافی، شمس قنات آبادی، حائری زاده، مکی و... در مجلس، عملاً این "خانه ملت" به گانه گاه توطئه چینی علیه ملت و دولت ملی دکتر مصدق تبدیل شد. همزمان با کاشانی در معاویه ای بسیار غیرنگار روزنامه اخبار الیوم، می گوید (۳۵): "خدای را شکر که دست استعمار را از ایران بریدم" استعمار حیل و خبثت برای اسباب ممانعت از شرکت پیشوایان مذهبی در انتخابات و سیاست دنیای مسلمانی قرار داشت و این امر معقول نبود... این من بودم! که دستور داده بودم در بانک انگلیس را قفل میزنند و به ملت گفتیم! دیگر کسی بها آنها صفا نمیکند، این من بودم! که تباروت را در همه سالهای ایران تعطیل کردم. من بودم! که ظرف چهار روز، قوام را ترک کردم. این من بودم! که همه این کارها را کردم!... "خبرنگار از کاشانی می پرسد: آیا از شما پشتیبانی می کنی؟ و در جواب می گوید: "آری، او خیلی ارها روق بهتر است. من از رفتن شاه به خارج، ممانعت کردم." "خبرنگار عقیقه: کاشانی را در راه قتل افشار طوس می پرسد کاشانی می گوید: "منم که می خواسته انقلاب کند و برای از بین بردن من توطئه می کرده اند، لیکن خدا مرا حمایت کرد و نقشه برگشت او را کشتند..."

آری، آنجا که بای مفاعطفاسی و نمایان سودیرستان به میان می آید، و آنجا که خودخواهی ها و سنگ سترها، چشم را بر همه حقایق کور می کند، اگر افشار طوس توطئه گر قلعه دشو را هدی خدمتگزار ملت، چندان هم غیر طبیعی نخواهد بود. همچنین اگر بهترین یاران و مشاوران آیت الله را، افراد خود فروخته ای همچون شمس قنات آبادی، میراشرافی، بقاشی و... تشکیل دهند، هم محال است که تحت عنوان جداگانه، اندکی هم در سار و سوابق بردگان آیت الله بحث شود، سوز که اکسوس سربس از روش ندن همه سوابق حمایت را از افراد در جریان کودتای ۲۸ مرداد، و سرخسهای مسیدی آنان که هم "با مقوله" با برادار همه دایره است، هنوز هم برخی حریفان سیاسی آنها را طلب حاکم، سعی در تطهیر آنسار دارند. اگر این حریفانها لزوماً "ساینتیسی" یا "تاریخی" خود را تمرین نمی کنند و تنها بر اساس حریفانهای انقلابی روشی شایسته، ولی همیاب که اگر آریا میسر نتوانست با سونی و کرنا، انوشیروان طالم



«گوا اینکه با زهم‌های پستی‌های گسترده مردم از دولت مصدق و نتایج گزارش مذکور که به شکل نظایرات و تحمّن و... در سرنا سر کشور نمود پیدا می‌کرد، باعث شد که گزارش هیئت هشت نفری به تصویب مجلس برسد. (۲۲) اما بهر حال اختلافات درونی مجلس، به‌خصوص خودیافتی بود، گذشته چراغ راه آینده» در این باره می‌نویسد: «پس از قتل افشار طوس و وصول درخواست وزیر دادگستری مبنی بر سلب صلاحیت دکتر یحیی، اقلیت مجلس علاوه بر منظور فوق، به قصد جلوگیری از سلب صلاحیت دکتر یحیی نیز در صورت امکان، استیضاح و ساقط کردن دولت، مجلس شورای ملی را قلع کرد و در جلسات متعددی که طی چهار ماه اول سال تشکیل شد، با جاذبه‌های ورجا له‌بازی و دشنام‌گویی و گفت‌وگوهای ادا ماکار مجلس را غیر ممکن ساخت... (تا جایی که) دشمنان ملت... مجلس شورایی ملی، این خانه ملت را به لانه حاسوس می‌انگلیس و آمریکا و امن‌ترین پناهگاه‌ها حنایت کاران، نوطه‌گران و مزدوران دربار پهلوی تبدیل ساختند. اینکه آیت الله کاشانی، سرلشکرزاده‌ی، دکتر یحیی شمس‌ی، حاشری زاده، میرا شرامی، جمال اما می‌شد با بیرون‌گرایان استعمار برای طرح و اجرای فتنه‌های جدید در مجلس شورای ملی، جمع می‌شدند. در بهار سال ۲۲، پس از مدتها حاد و کشمکش، نواکسپور بهت ملی شواست در انتخابات مجلس یحیی کاشانی معیسی را برپایست مجلس برگزیدند، به‌سبب این‌همه توطئه‌چینی‌های مجلس، هیچ‌گاه پیداکرد، در همین زمینه روزنامه‌ها شرا نسوی مشروطیت می‌نویسد: «مجلس از اقلیت در مجلس از تصویب طرح مربوط به سلب اختیارات فرماندهی کل قوا از شاه جلوگیری کرد و با اینکه در انتخابات ریاست مجلس یکی از طرفداران مصدق بجای کاشانی، گری ریاست را اشفال کرد، اقلیت مجلس اکثریت حقیقی را در دست داشت و اگر مجلس بجای می‌ماند، نقشه سقوط مصدق، تا امروز عملی شده بود، آخرین رای مجلس به دکتر مصدق، جهل رای در مقابل سی و یک رای بود، و به‌سبب رای مخالفین که در مدت چهار ماه توانسته بودند تعداد خود را از هشت، هشت نفر به سی و یک نفر برسانند. حلت همکار ده‌نفر دیگر، کار مشکلی نبود. نقشه مخالفین این بود که با استیضاح‌های مکرر، دولت را تضعیف و در عرض یکی دو ماه با رای عدم اعتماد به جهل نفرات نمایندگان، حکومت دکتر مصدق را ساقط کنند... اما مصدق، عاقلتر از آنها بود... و مخالفین را در

همکاران وی نیز بوده است (نظیر زهری). در این گزارش آمده است که یکی از هضم حرس‌های یحیی با وساطت اشرف پهلوی حوا هر معلوم الحال شاه، به دیدار شاه می‌رود تا نظر موافق وی را برای شرکت یحیی در انتخابات تهران جلب نماید. در سنده آمده است که شاه مخلوع با شرکت یحیی در انتخابات موافقت کرده است ولی با شرکت زهری، مخالفت نموده است. بموجب این اسناد و اسناد و شواهد، یحیی و گروهش همیشه طرفدار شاه و خواستار ابدای وی بوده است، گروه یحیی هرگز حواس را نفوذ سلطنت نموده اند، بلکه با اصرار در تبدیل روش شاه همیشه و فساداری خود را به شاه و اعتقادشان را به سلطنت نشان داده اند...»

حالب توجه است که از دکتر یحیی پس از همین سوابق، سکس که پیش از اینها نیز برای مردم ایران روشن بود، هنوز هم کسی هشتاد که به دفاع برمی‌خیزند و برای سرباز و تمجید را وسیله چاک می‌دهد. نمونه‌ها را این افراد، دکتر آریسته سما یسده مجلس و دبیر سیاسی حزب جمهوری اسلامی است که اخیراً «سیر پنهان» سرورسی پرونده‌اش در مجلس شورا، ضمن دس‌اعاز خود، به تعریف ارفقای والیده در کاران سرگردان کاشانی پرداخته است!

رفراندم برای انحلال مجلس

در همان اوائل سال ۲۲، به استنکار دکتر مصدق، یک هیئت هشت نفره، اما مسور ره‌یگری به اطلاعات میان دولت و دربار شدم و گزارش در این زمینه تهیه کرده که صم آن، راه حل‌های را برای تصویب مجلس ارائه می‌کنند، در این گزارش به استناد قانون اساسی، شاه را از دخالت در امور لشکری و کشوری منع کرده و متحصصا خواستار سلب اختیارات فرماندهی کل قوا و تصویب آن به رئیس دولت شده بودند. هنگام طرح این گزارش در مجلس هفدهم، نظامیین موافقین و مخالفین دولت شدت گرفت و مخالفین که از حمایت رئیس مجلس نیز برخوردار بودند، به‌شاه اشاره دربار، مانع تشکیل جلسات علنی می‌شدند. روز - ۱۸ آذر در دی‌ماه سال ۲۲ می‌نویسد: «رئیس مجلس (آیت الله کاشانی) معتقد است که گزارش هیئت هشت نفری قابل طرح در مجلس نیست، حال آنکه رئیس دولت مصر» خواستار طرح آن در مجلس و تصویب آن است... زیرا معتقد است که این گزارش قدرت مصدق را زیاده‌دومی کند.»

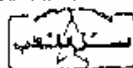


را جهت سرگزازی رفرا سدم دربار را انحلال
با اسفا' مجلس به اطلاع مردم رسانید، وی
در پیام خود با اشاره به اینکه در ماههای
اخیر، مجلس شورا عملاً به صورت هسته مرکزی
و پایگاه اصلی خلافتگری ها و توطئه های
سد ملی در آمده، گفت: "وقتی دولت احساس
کرد با این همه خلافتگری ها و توطئه های
سد ملی توان وظایف خود را انجام دهد و
مسئولیت بزرگی را که سرعهده دارد همچنان
بر دوش بگیرد تصمیم گرفت در این باره
ارملت و شیدا ایران اجتماع دهند... و از
شما مردم وطن پرست تقاضا کند، عطفه
خود را در ایفاء یا انحلال مجلس مریحسا"
طها رکندید... تنها ملت است که می تواند
را جمع به سرش و خود و سرش و شت ملک است
اطها رفقهده کند... این تنها ملت ایران
یعنی موجود و رنده فاشون اما...
مشروطیت و مجلس و دولت است که می تواند
در این باره طها رنظر کند و لاغیر، قاضوها،
مجلسها، دولتها، همه برای خاطر مردم
بوجود آمده اند نه مردم بخاطر آنها، وقتی
مردم یکی از آنها را نخواهند، می توانند
نظر خود را در باره آن ابراز کنند...

روز دوشنبه ۱۲/ مرداد ماه، تمام
احزاب و گروهها و اشخاصی که طردا ستعمار
و سرکوبی ارتجاع داخلی را آرزو می کردند
باشور و ضعف و نظم و آرامشی نظیر در
رفرا سدم شرکت کردند و روز رفرا سدم مشکل
به روزیان و نمایش پرشکوه و با عظمت
نیروهای ضد استعماری و آزادخواهسان
ایران گردید، مردم با شرکت و شمع در
رفرا سدم فرمان انحلال مجلس هفدهم را که
بصورت گاشون توطئه های درباری و پناهگاه
مزدوران ارتجاع و استعمار در آمده بود
ها در کردند، و با این فرمان دربار و پهلوی
این تکیه گاه سیاستهای استعماری
انگلیس و آمریکا را بلرزه در آوردند، (۲۶)
... همین که نتیجه رفرا سدم در تهران
اعلام گردید، ایرها و وطنی یک ماحسمه
مطبوعاتی گفت: ... تحلیل کمونیستها،
نسبت به آسیا برای آمریکا بسیار دشوار
محس است، گمان می کنم امروز صبح در
روستاها خواهد آمد که مصدق شواست
بریا رلمان فاشق آمد و خود را از آن خلاص
سازد، البته مصدق در این اقدام از حزب
کمونیست ایران استفاده می برد، تمام
این و اوضاع آن معضات برای آمریکا شوم
و محس می باشد، زیرا اگر دنیا با پسین
نقاط را از دست بدهد، چگونه می تواند
امپراطوری شروتمند اندونی را نگه
دارد، در این صورت ملاحظه می کند که این
راه را در جاشی با بدمد و در دیر باز

برای امر انجام شده ای قرار داد... و موضوع
فرا موش شده ای رفرا سدم را دوباره مطرح
ساخته (۲۳) همجنس نشر به فرا...
لوموند چنین نوشته بود: "آیت الله...
کاشانی پس از شکست در انتخابات ریاست
مجلس به دکتر مصدق پیغام داده است که
به مبارزه خود با دولت به شدت ترین وجهی
ادامه خواهد داد، و برای ما فقط کرد دولت
منبع از هر وسیله ای استفاده خواهد
کرد، کاشانی مخصوصاً به دکتر مصدق اطلاع
داده است که باید "خیال ما صورت آرا ایران
را ندارد و جشی بنا آخرین لحظه مسسارزه از
تهران خارج نخواهد شد." (۲۴)

با چنین وضعی بود که امپریالیستهای
آمریکائی و انگلیسی در آن شرایط، همسسه
امید خود را به مجلس بسته بودند...
نمایندگان و استعد در مجلس بتوانند به
انواع دسیسه ها، هما شگونه که مجلس را فلیج
کرده بودند، کار دولت را نیز محفل کنند و
مانع از پیشبرد سیاستهای ضد استعماری آن
شوند: "در یک ماه آینده و حداکثر تا دو ماه
دیگر (خراد و شیر) نتیجه بحران فعلی
ایران معلوم خواهد شد و به احتمال قسوی
این بحران بدون خونریزی و اغتشاشه هیل
نخواهد گردید، زیرا مسارزه کاشانی و مصدق
در مرحله ناشی به جدال در کوچه و حیایان
منجر خواهد شد... تا روشن شدن این
بحران، هیچگونه تغییری در سیاست آمریکا
نمیست به ایرا در خواهد داد، زیرا آمریکا
منتظر است ببیند کاشانی و کاشانی...
مخالفین دیگر قدرتی در مقابل دکتسور
مصدق دارند و یا اینکه دیگر هیچ امیدی
نمی توان داشت، فقط در صورت موفقیت
قطعی مصدق، امکان تحولی در سیاست
آمریکا نسبت به ایران وجود دارد، وگرنه
سیاست کج دار و مریزو و صبر و انتظار آمریکا
در ایران کماکان ادامه خواهد داشت" (۲۵)
در چنین شرایطی که مجلس عملاً...
سیاستهای استعماری همسوشی می کردند،
مصدق تصمیم گرفت که با انجام رفرا سدم
و اعلام انحلال مجلس دوره هفدهم مجلس
جدیدی با نمایندگان واقعی مردم تشکیل
دهد، نمایندگان فرا کسبون نهضت ملی
برای پشتیبانی از مصدق، به استناد اینکه
وضع کنونی مجلس مسا عد برای ادا مشی
و طبعاً با یدگی نیست، منظور دسته جمعی
استعفا گردید و بنا این عمل اولی قدم در
راه انحلال مجلس هفدهم برداشته شد، بدینال
آنها عده دیگری از نمایندگان استعفا
کردند و مجلس عملاً تعطیل گردید، روز
پنجم مرداد ماه دکتر مصدق با مرسمی
بما می به ملت ایران ارا دستور مصمم خود



معا یونسی را گرامی داشته، در تلگرافی به
پینگاه ملوکا به، گفتند: "ورود مسعود
اعلی حضرت به ایران مبارک و موجب اصلاح
مفاهد دینی و عظمت اسلام و آسایش مسلمین
است." (۳۸) و بدینسان نشان دادند که
چهره درکی از اسلام و مسلمانی دارند.

کاشانی بعد از کودتا از زبان مطبوعات

فلیح پرایس، نماینده مجلس عوام
انگلینس که به پیران آمده بود، در منچستر
کا ر دیس می نویسد: "حضرت آیت الله
کاشانی، شرح کاشانی بر علیه بریتانیا
اطهار نمود و گفت: بریتانیا مستحق
دریافت عرامت نیست. مستر پرایس می -
گوید با اینحال آیت الله قبول کردند
که در قانون نه مادی، نفت روی غرامات
پیش بینی شده و تا بدراج به مدتی
بنا بود، متیا زاداده داشته باشد، راجع به
پرداخت غرامت موافقت حاصل شود." (کیهان
۲۲/۸/۳۰)

کیهان شمار ۳۰۱۶: ملاقات دیروز
رئیس دولت با آیت الله کاشانی: از
ابتدای روی کار آمدن دولت جدید، آقای
سپهرزاده، تصمیم گرفته اند در هجده
روز یکبار با حضرت آیت الله کاشانی
ملاقات کنند. دیروز ظهر، این ملاقات
در منزل شخصی ناشی صورت گرفت و نه سال
را آقای سخت وزیر با آیت الله کاشانی
صرف نمودند، در این جلسه، دو نفر از
نمایندگان مجلس حضور داشتند و در خصوص
امور جاری و کارهای مملکتی تبادل نظر شد.
من اعلامیه آیت الله کاشانی خطاب

به مردم: کیهان ۲۲/۸/۳۰
... هموطنان عزیزم، آرزوی که مصمم
به قیام علیه استعمار گردیدم، نظری جز
رفای پروردگار و نجات ملت محروم ایران
نداشتم و هیچ حادثه و واقعه ای نخواهد
توانست مرا از نظر خود منحرف سازد و
چنانچه دولت سابق را هیچ خلاف نهضت ملی
و دیانت و قانون اساسی اتحاد کرده بود،
از پشتیبانی او دست برمی داشتم، اما
افسوس که دولت گذشته برای من قدم گذاشت
که دین و موجودیت وطن و قانون اساسی را
یکبار به خطر انداخت و هر علاقمندی به
استقلال را وادار به مبارزه برای حفظ آن
مقدمات نمود و صریحاً "علام می دارم کسسه
موافقت و مخالفت من در همه حال شخصی
نبوده و نخواهد بود... بپهر حال استعمارگران
بدانستد تا خون در عروقم جریان دارد محال
است بگذارم سیاستهای استعماری... جای
مست است که دولت جناب آقای راهدی

با پشتی مصدق دردد، و ما مصمم به اینکار
هستیم." (۳۷)

کودتای ۲۸ مرداد

"مرد کردن" آن راه چندان هم طول
نیاست اما مید. دو هفته به کودتای آمریکایی
۲۸ مرداد سقوط پیوست دکتر مصدق زینست -
وزیری با قسط و دبی ای او سر لشکر را هدی
که بودا رهوا مل موثر کودتا بشما رمی رفت
به محنت و بری. رسید، شاه نیز کسسه روز
۲۵ مرداد، بدینحال یک کودتای
ماضی دیگرا رکشور گریخته بود، بیست
نهران با رگشت و بدینسان دولتی را که
کاشانی می خواست "بهر وسیله که شده"
ساقط کند، آمریکایی ها بیاری با نسند
کاشانی و بر سر لشکر را هدی و اذلال و اجانی
نظیر عثمان مغری، ارمیان برداشتند.

در این مقاله، اگر چه نمی خواهم
برینه یا بی کودتای مذکور بپردازیم، اما
در همین حد می توان مسئولیت حقیقه
ملی و تحمیل دگر ممدی را در این جریان
با دیده گرمی: مفاشات در مقابل ایگاههای
داخلی امیرالایم، مدارانست بیست
در بارو هیئت ها که، بعضی سیاستهای
عیر انقلابی در رابطه با امور اقتصادی
و جاری و... همچنین مسئولینهای حزب
توده، به بنا به یگانه تشکیلات مصمم در آن
زمان، فاسل چشمپوشی نیست، آنها
هیچگاه نتوانستند درک درستی از دولست
ملی دکتر مصدق داشته باشند و سیاستهای
درستی را در رابطه با آن اتخاذ کنند. در
مطلع کودتای ۲۸ مرداد نیز با سیاستهای
انفعالی خود، عملاً تن به پذیرش کودتا
دادند، از سوی دیگر، جریانهای ارتجاعی
محالف مصدق که حول کاشانی گردا هسند
بودند، با همکار ی با دربار و استعماری
سیاستهای استعماری در ایران، با تفاق
افکنی در میان معوف مردم، با مخالفتی
هیلی شدید خود در مجلس که به تضعیف
دولت منجر شد و نیز بسیاری اعمال دیگر
که در بحثهای گذشته آمده است، عملاً راه
را برای استقرار مجدد امپریالیستها در
ایران هموار کردند، همانها که درکا ر مصدق
به این بهانه که کاهل العلوة، کمونیست
و... است، کارشکی های فراوانی بعمل
آوردند و در عمل نشان دادند که شاه را بر
مصدق ترجیح می دهند، همانها که در
آنها شروع ۲۵ سال دیگتا شور و عارتگری
و در آستانه حاکمیت مجدد دشمنان فم
حورده این خلق شمدیده، مقدم اعلام حضرت



(۳) و (۴) خواندند آنها شماره های ۸۲ و ۸۱ سال

۱۲

(۵) گذشته چراغ راه آینده ص - ۵۸۱

(۶) کیهان: ۳۰/۹/۱۴

(۷) همان کتاب ص - ۵۸۲

(۸) گذشته چراغ راه آینده

(۹) خبری از پدر طالقانی در مراسم سالگرد دکتر مصدق - اخمد آباد.

(۱۰) پس از آنکه آمریکا و انگلیس مشترکا به این نتیجه می رسید که حل مسئله نفت در ایران تنها از طریق سرنگونی مصدق امکان پذیر است، سفارت خانه های آن دو کشور را با دارو دسته های درباری و مخالفین مصدق روابط جدیدی برقرار کرده مقدمات سقوط و کودتا را فراهم می کردند و طبقاً رابطه کا شانی میزبونی یکی از فتنه های مخالف مصدق محسوب می شد، فعال شده بود. در همین رابطه می توان به ملاقاتهای هندرسون سفیر آمریکا و کا شانی اشاره کرد. کیهان ۲۹/۵/۳۱: سخنگوی رسمی سفارت آمریکا با عیب یک بعد از ظهر امروز به خبرگاران رسانا اظهار داشت: با روز برای اولیس ما رئیس از انتحار آقای کا شانی سر است مجلس شورای ملی، مستر هندرسون تا استار ملاقات کرد. این ملاقات بیشتر جنبه تشریفاتی داشته و برای آشنائی با رئیس جدید پارلمان ایران بوده است.

ملاقات هندرسون با آیت الله کاشانی در حدود یک ساعت طول انجامید... بطوریکه از مراسم موشق اطلاعات دست آورده است. ملاقات آقای هندرسون و آیت الله کاشانی، بطور کلی درباره روابط ایران با آمریکا مذاکره بعمل آمده است. آیت الله کاشانی خطاب به سفیر کمرا سالات متعدد آمریکا در این ملاقات اظهار داشتند ما توقع کمک بخصوصی از آمریکا نداریم، انتظار ما از آمریکا فقط اینست که به رقیب ما یعنی دولت انگلیس کمک نکند... آقای کاشانی سپس تأکید کرد که آمریکا نباید از این پس فریب دیپلماتی انگلیس را بخورد. آقای هندرسون در پاسخ آیت الله کاشانی اظهاراتی کرده و گفتند که استعمار سرچیده شده و از پس رفته، ولی با اقدام خودت از خود و فعالت کمونیستها در ایران معارضت بعمل آید. آیت الله به آقای سفیر کمرا آمریکا گفتند که ما خود می توانیم از نفوذ کمونیستها و عملیات آنها جلوگیری می کنیم.

همچنین خواندند آنها شماره ۶۱ سال ۳۲.

که خود یکی از طرفداران جنبه ملی بوده، تصمیم دارد که شرافتمندانه، از حیثیت و آبروی ملت ایران دفاع نموده و در راه ملاح و افق ملت خدا کثرت فداکاری را بنمایند...
مما حسنا روزیاه المعری با آیت الله کاشانی ۲۲/۶/۱۷:

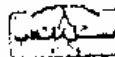
در این معاهده، حضرت آیت الله به خبرنگار "المصری" گفتند: "من از ژنرال زاهدی ما را که به شفاعت ایران فرستادم برمی دارد، پشتیبانی می کنم و هر وقت که بنظر من برسد و برخلاف مصلحت ایران عمل می نماید، با او مخالفت می نمایم. تا این لحظه نمی توان راجع به اعمال زاهدی قضاوت کرد و ما هم نمی توانیم رویه خود را در قبال او معین کنیم. از او پرسیدم: عقیده دارید که مصدق مستحق همین سرنوشتی بود که به او رسید؟ و جواب داد: خداوند عادل است و آنچه امروز بر مصدق گذشته، نتیجه عدل خداوندی است. از او پرسیدم: آیا عقیده دارید که ژنرال زاهدی می تواند مسئله نفت را بطوریکه رضا آیت حضرت عالی و ملت ایران طلب شود، حل کند؟ و جواب داد: من گمان نمی کنم که ژنرال زاهدی در قضیه نفت روشی برخلاف تمایلات ملت اتخاذ کند، بهرحال سیاست رزم آرا، دیگرسرور ایران قابل احترام است، هر کسی بخواهد طبق آن عمل نماید، ما همان سرنوشته مواخه خواهد شد. آیت الله پرسیدم: آیا عقیده دارید که دکتر مصدق برای برقراری رژیم جمهوری فعالیت می کرد؟ و جواب داد: آری، برای برقراری جمهوریت می - کوشید. مصدق چهار ماه قبل می خواست که شاه را از ایران خارج نماید، ولی من تا به نوشته او را و خواستم که از مافسرت خودداری نماید و شاه هم موافقت از فکسر مافسرت منصرف شد. یک هفته قبل مصدق شاه را مجبور کرد که ایران را ترک نماید، اما شاه با عزت و محبوبیت، چند روز بعد بازگشت. آیت الله سپس اظهار داشت: در این دنیا ملت شاه را دوست دارد و رژیم جمهوری مناسب ایران نیست، از او پرسیدم: آیا جفا به ملیت یا تحدید روابط ایران و انگلیس مخالفید؟ و جواب داد: آری، من با این مخالفت می کنم، زیرا سیاستمداران انگلیسی خالی از عواطف، انسانیت، شفقت و رحم می باشند... (پایان)

با ورقه:

(۱) اطلاعات ۳۵/۱۵/۱۰

(۲) اعلامیه وزارت خارجه آمریکا بنقل از

کتاب پنجاه سال نفت ایران.



- (۱۹) بنقل از خواندنیها، شماره ۷۷، سال ۳۲
- (۲۰) کیهان ۱۳۳۱/۱۲/۱۰
- (۲۱) کیهان ۱۳۳۱/۹/۹
- (۲۲) کیهان ۱۳۳۱/۹/۹
- (۲۳) کیهان ۱۳۳۱/۹/۹
- (۲۴) بنقل از خواندنیها، شماره ۷۸، سال ۱۳۳۲
- (۲۵) بنقل از خواندنیها، شماره ۵۶، سال ۱۳۳۲
- (۲۶) اعلامیه کاشانی خطاب به مردم، کیهان ۳۱/۱۲/۹
- (۲۷) خواندنیها، شماره ۷۸، سال ۱۳۳۱
- (۲۸) خواندنیها، همان شماره
- (۲۹) کیهان ۱۳۳۱/۱۲/۹
- (۳۰) خواندنیها، شماره ۷۸، سال ۱۳۳۲
- (۳۱) سر مقاله کیهان ۵۹/۵/۵
- (۳۲) کیهان ۲۹/۲۹/۲۹
- (۳۳) بنقل از خواندنیها، شماره ۹۱، سال ۱۳۳۲
- (۳۴) بنقل از خواندنیها، شماره ۸۲، سال ۱۳۳۲
- (۳۵) از همان نشریه شماره ۷۲
- (۳۶) گذشته چراغ راه آینده
- (۳۷) همان کتاب
- (۳۸) کیهان به شنبه ۳/شهریور/۱۳۳۲، صفحه اول، تلگراف آیت الله و روحوردی چه شاه.

می نویسند: در ملاقات اخیر همدیگر، معبر کثیر آمریکایی کاشانی مذاکرات مهمی درباره روابط دربار دولت و ایران معنی صورت گرفته است. در این ملاقات مخصوصاً آیت الله کاشانی به معبر کثیر آمریکایی اظهار داشت که به دولت خود اطمینان بدهد که ما و من سرگرمش معالفت کمونیستها در ایران هستیم و کتب مبارک این مبارزه، نیروی کمونیستها خواهد بود و ما هم در این زمینه، کیهان ۳۲/۱/۲۹ می نویسند: روز گذشته، آقای لوتی همدیگر برای سلطنت به کاشانی به نمایندگی مسعود معطیعی وی و دادن نامه‌ی رئیس مجلس نمایندگان آمریکا به آیت الله، ملاقات کرد و این ملاقات به یک و نیم ساعت طول کشید. (۱۱) گذشته چراغ راه آینده.

(۱۲) معاهده رورسا به کیهان با آیت الله کاشانی ۱۳۳۲/۲۰/۲۰

(۱۳) معاهده رورسا به کیهان با آیت الله کاشانی ۳۰/شهریور/۱۳۳۱

(۱۴) معاهده رورسا به کیهان با آیت الله کاشانی به شنبه ۱۸/دی/۱۳۳۱

(۱۵) کیهان ۱۳۳۱/دی/۲۰

(۱۶) کیهان ۱۳۳۱/دی/۲۸

(۱۷) کیهان ۱۳۳۱/دی/۳۰

(۱۸) کیهان ۱۳۳۱/۱۱/۲

کتاب و نشریاتیکه تاکنون توسط انجمن دانشجویان مسلمان (ایتالیا) تکثیر و پخش گردیده است:

- ۱- تحلیلی بر شفرانهای کشتان و مساله افغانستان
- ۲- بررسی مهمترین تحولات سیاسی، از نیمه خرداد ۵۷ تا نخست وزیري بختیار
- ۳- درباره جناح بندی و صبندی های درون احزاب
- ۴- زن در مسیر رهائی
- ۵- ارتجاع چیست و مسرتجع چیست
- ۶- حقایق درباره تجاوز نظامی آمریکا و ماجرای ایس
- ۷- تشریح فلسفی - عید قربان، نماز جمعه، عید فطر، امام زمان
- ۸- "تحلیل مذهبی از شرایط مشخص" شعاری تو خالی نیست
- ۹- در پاسخ به یکی از مقالات نشریه کار
- ۱۰- کمپین سه جانبه (برزیل، و آمریکا) برای ایران و جهان سوم
- ۱۱- موضعی و نشریاتها، سازمان مجاهدین خلق ایران درباره ملیتها و کردستان (از بهمن ۵۷ تا آخر ۵۸)
- ۱۲- آموزش و تشریح اطلاعاتیه تعیین مواضع مجاهدین خلق ایران در برابر جریان ابورتونیستی چپ نسما
- ۱۳- سلسله مقالاتی درباره جنگ ایران و عراق
- ۱۴- شرح تاسیس و تاریخچه وقایع سازمان مجاهدین خلق ایران از سال ۴۴ تا سال ۵۰
- ۱۵- آیت الله کاشانی و نهضت ملی به رهبری دکتر محمد مصدق
- ۱۶- مجموعه مقالات "دانشگاه و انقلاب"